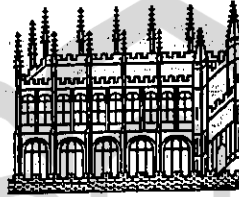


MICROFILMED BY THE
OXFORD UNIVERSITY LIBRARIES
IMAGING SERVICE



MS. Pococke 450

IM/0383/06

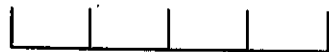
Jun. 2006

Camera

Reduction

9x

Cm

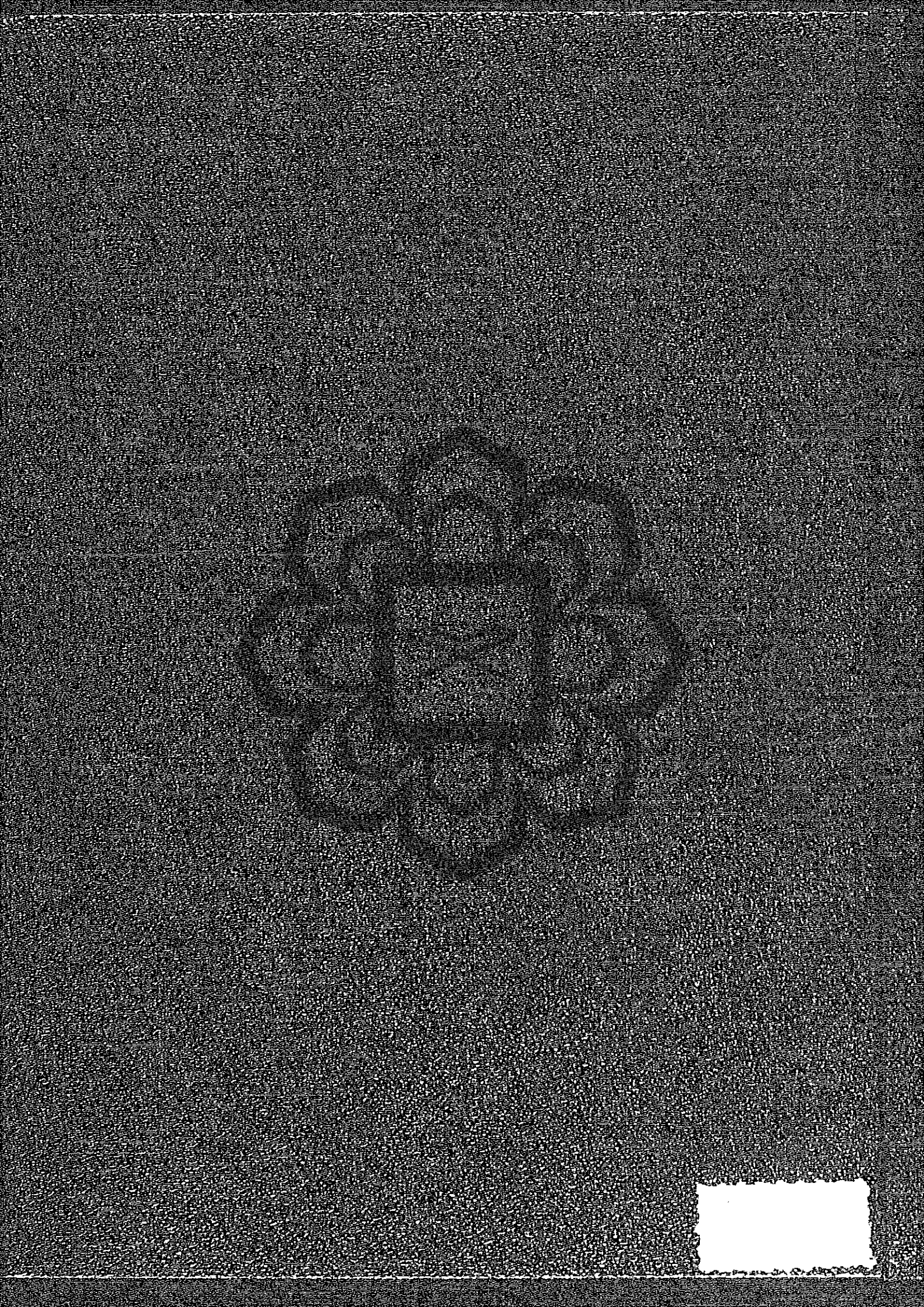


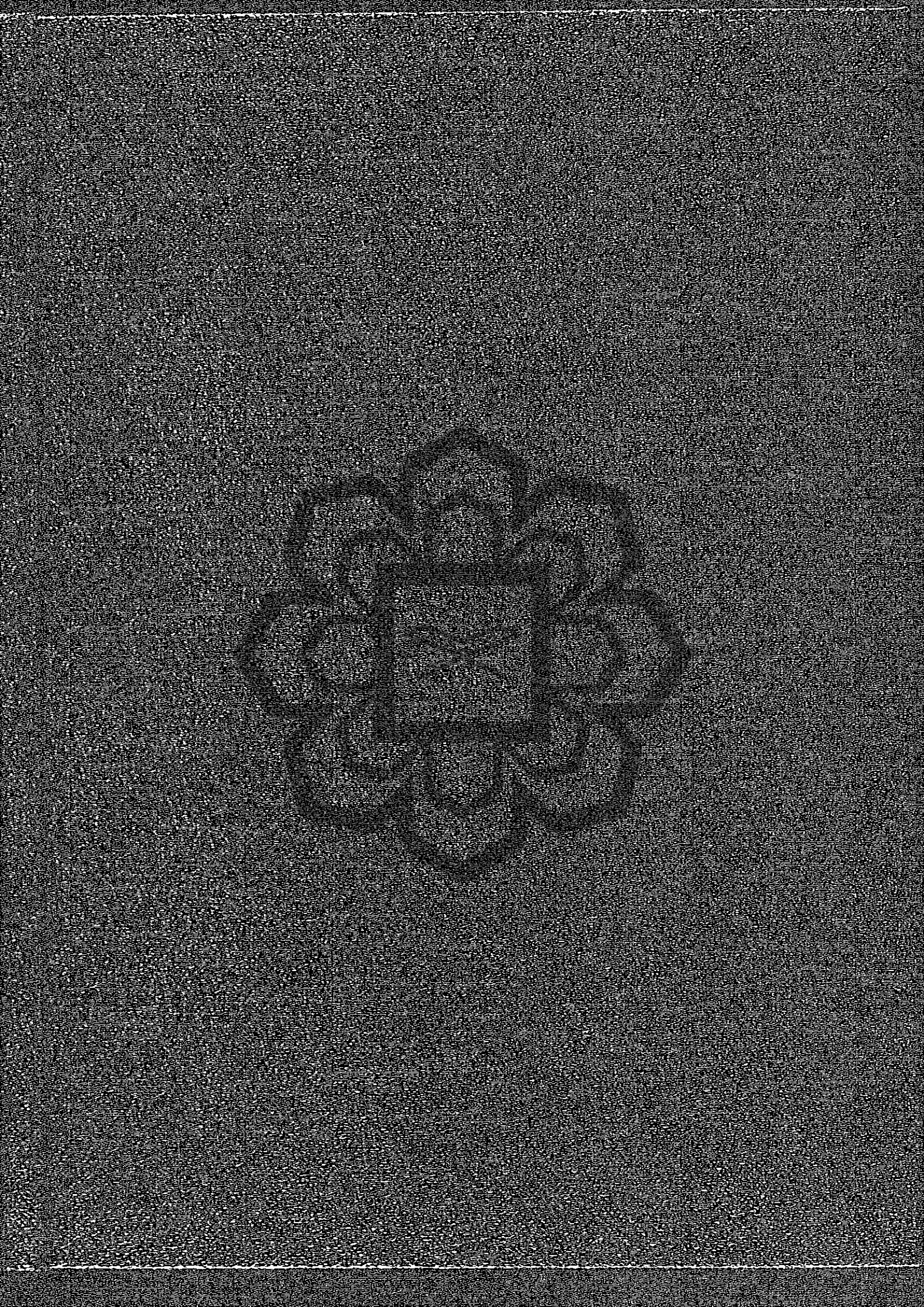
Inches

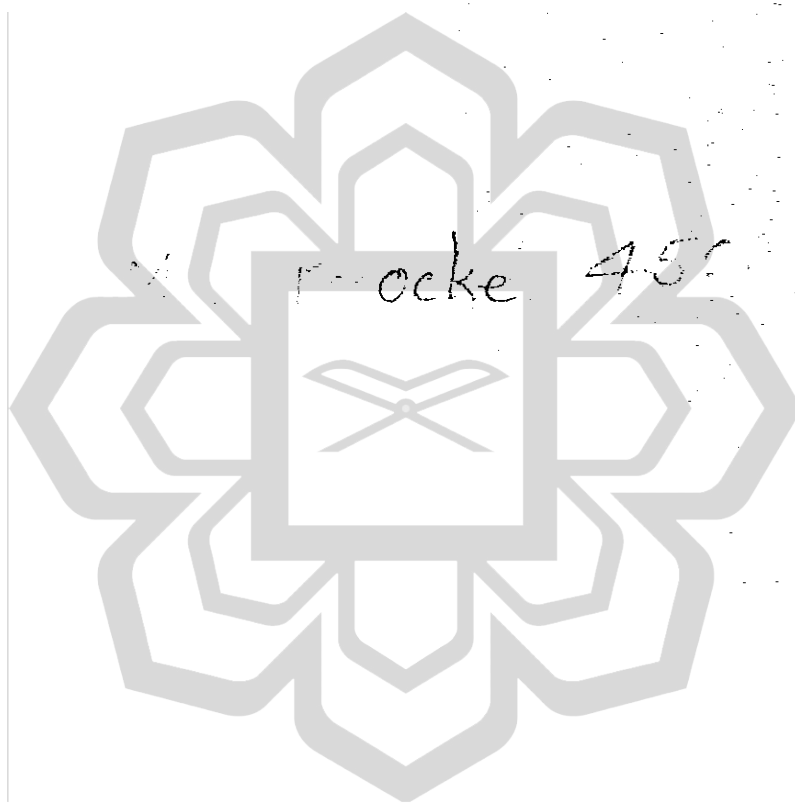


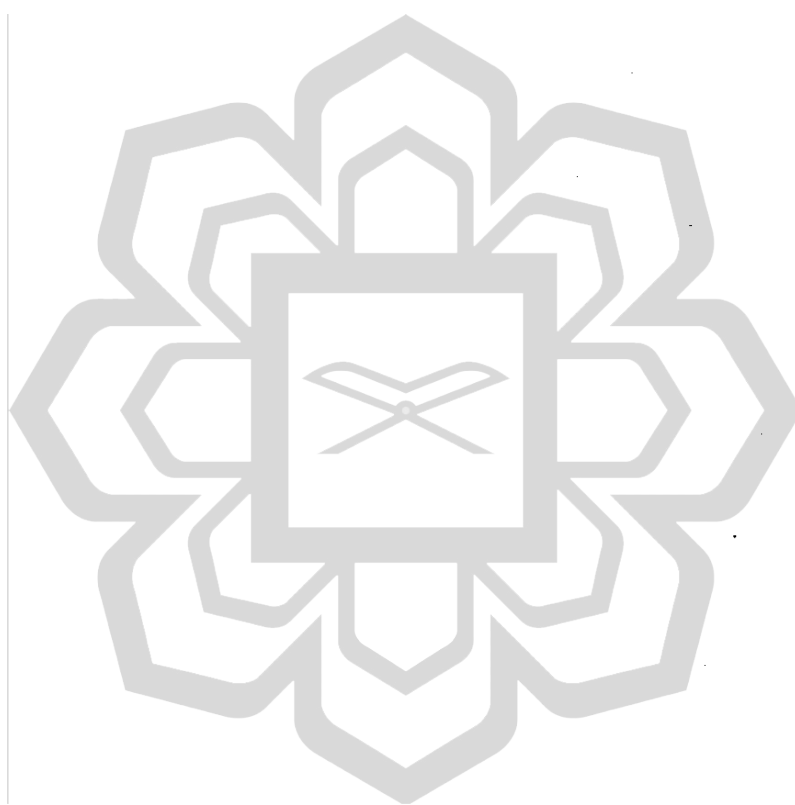
The Curators of the Bodleian Library have given permission for this microfilm to be made on condition that no reproduction should be made from it without their consent. All inquiries should be addressed to the Librarian.

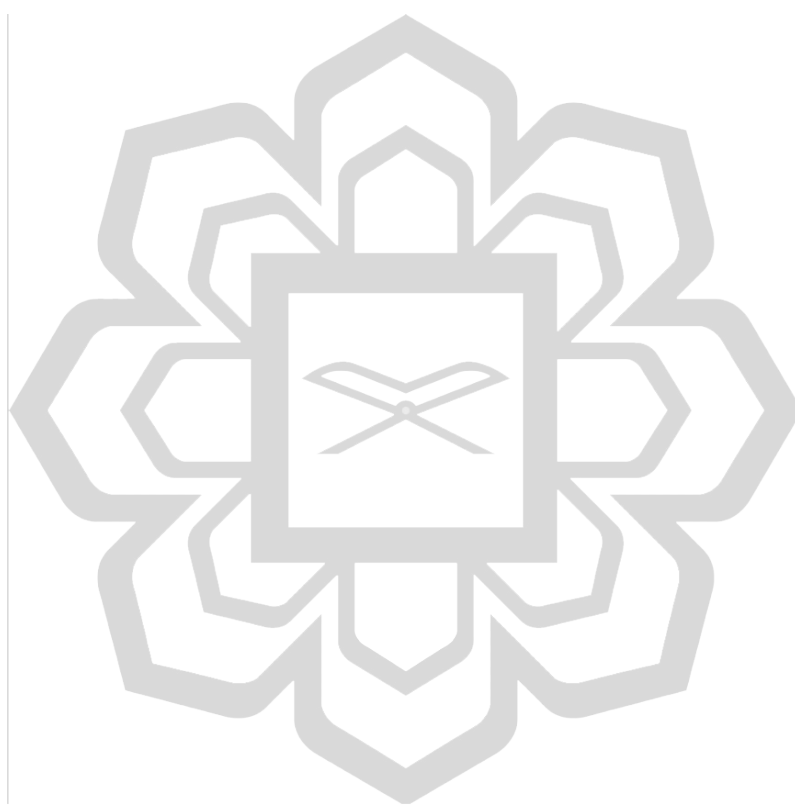
The Librarian would also be glad to be informed of any work done by scholars on this microfilm. He makes this request because he wishes to possess for the use of scholars as full information as possible concerning work on the manuscripts and printed books in his care.











صالح و صالحه
بغداد
۱

۱۰۰۱۰۰۳ اگر در چکن بر کوزه ای چق قلور اول کوزه بر که

بسیار کوزه ای کلید کوزه کو کپ شراب مجتهد بقیسل

ترغا اوله اگر انبی کوشید رسله بر بر بیلده بشی اوله اگر

بر کس ایور آدمک گلگی از زنه قیلر هر نیک گلکنوه بار در کوبیده

بسیار کوزه ای کوزه مشک وز عفرانله تر شدر بلسنه کتر کیم

فتوسه ایس بیت اول

MS. Pococke 450

اگر بکش ای ۱۰۳۱۰۰۱ الیه برای طلسم قویسم دخی

بر بجایرد ای بر ما تراسن ارا به بر تارکش ال اندن

به دعاء کنه بر کز ای قیصرق کوندکی بر بر او قد غنی اوج

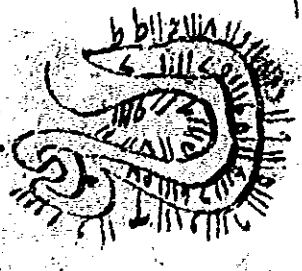
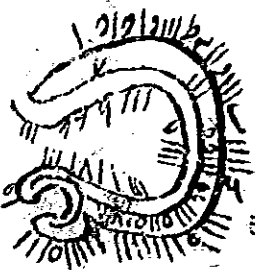
کند اه دسون بد کز استغفار کوه سون بدیش کوزه بیغابره

سلوه کتر اول اقبی دعا بدر اسم الله الرحمن الرحیم

ایمینه منه اطمینه منوبنا هجره اکلوجر امن طوم

نام ترا اشترع اشترع مجتبا مجتبا ایضا حالوسا

هجره هجره احرقوا هجره اهلا تمست



De aru
mura
bra dia
Pococke

Handwritten notes and signatures at the bottom of the page, including names like 'محمد علی' and 'محمد رضا'.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ تَعِينُ

سپاس بی قیاس واجب التعظیم را که بتشریف بنطق انسان را مشرف
ساخت و کلام موزون و علم ارزان موهبت فرمود و صلوات نامیاب
بر محمد مصطفی و آل و اصحاب او باد و اما بعد بدانک این مختصر لیست از مشائخ
و حید شریزی در علم عروض و قافیه و صنایع شعر از برای بهر ادر از اوده خود
تالیف کرد تا بدین مقدمه در اول آن مدخل کند و خود قافیه شناسد و صنایع
مستوبداند و این را جمع مختصر نام نهاد و بابت التوفیق کنیز بدانک شوکلا میست
موزون و موزون را میزانی باید که تا صحیح آن از مکسور را زد و اند و میزان شعر
عروضت عروض چونی را گویند که در میان خیمه نهند تا خیمه بدان قایم شود و عروضیان
رکن آخر را از معراع اول عروض خوانند و چنانک قیام خیمه بدان چوپ باشد قیام
بیت شعر بدان رکن بود چنان که گفته شود معلوم کرد که آن شعرا را کدام عرضت
و سالم است یا نسالم اگر چه در باب عروض استادان را اتفاقا وید بسیار گفته است
قول صحیح اینست که آنرا عروض از آن گویند که معروض علیه شعرت و شعرا بران
عروض کنند تا زاید و نقصان آن پیدا آید و بغای عروضی بر متحرک و ساکن باشد و متحرک
آن پیش از ساکن بود و متحرک حرفی بود که اعراب دارد و ساکن حرفی بود که اعراب
ندارد



قطع کرد و با حاجی
تصحیح شد و قافیه شناسد و از زین
مستوبداند و این را جمع مختصر نام نهاد و بابت
موزون و موزون را میزانی باید که تا صحیح آن از مکسور را زد و اند و میزان شعر
عروضت عروض چونی را گویند که در میان خیمه نهند تا خیمه بدان قایم شود و عروضیان
رکن آخر را از معراع اول عروض خوانند و چنانک قیام خیمه بدان چوپ باشد قیام
بیت شعر بدان رکن بود چنان که گفته شود معلوم کرد که آن شعرا را کدام عرضت
و سالم است یا نسالم اگر چه در باب عروض استادان را اتفاقا وید بسیار گفته است
قول صحیح اینست که آنرا عروض از آن گویند که معروض علیه شعرت و شعرا بران
عروض کنند تا زاید و نقصان آن پیدا آید و بغای عروضی بر متحرک و ساکن باشد و متحرک
آن پیش از ساکن بود و متحرک حرفی بود که اعراب دارد و ساکن حرفی بود که اعراب
ندارد

و اعراض در کونه بود معروف و مجهول معروف چون صفت نور و حور مجهول چون غور
 و بنور کسره معروف چون کسره مجهول کسره مجهول کسره مجهول کسره مجهول کسره مجهول
 نیرند و این متحرک بر بساکن بر بساکن و او ثاب و فواصل می گردد که او ثاب اجزای
 عرض اند و اگر آن بیت بدان متکرب می شود و بیت را بیت از آن خوانند که
 بیت شعر را به بیت شعر مانند کرده اند و بیت شعر خانه یا نشند از موی یعنی یکس
 و آن خانه عرب صحرا نشین باشد و ترکیب آن از ریسمان و میخ و پلاس بود که
 بالایی آن پوشند و اگر آن زمین و سستف و چهار حدیست بیت شعر را نیز اینها هستند
 که زمین از تانیه و سستف معنی که در آن تصد کرده شود و حدود آن چهار رکن در موع
 که در یک بیت مترتب شود و آن چهار رکن را ناماناده اند نام چهار رکن اول مصراع اول
 را صدر خوانند و اول مصراع دوم را ابتدا خوانند و آخر مصراع اول را عود می گویند و آخر مصراع
 آخر از ضرب زانی میان صدر و عود می دانند و ضرب واقع شود حسن و کسب گویند پس
 شعر را تانیه زمین و معنی سستف و حدود چهار رکن بود در صنایع سگفت خانه بود
 و چون نشان ر بند گیری و کاشن کاری و چنانکه بخانه از در در آیند بنوعی از مطلع
 در آیند یعنی بود که در اول مصراع دوم و مصراع آن تانیه داشته بود و مصراع که آن
 تانیه ندارد آن مصراع هم خوانند و در مصراع در می را گویند که آن دو باره بود که هر طرف را